



سیاست‌ہاگ رژیم نسل جدیدگ از زنان شاغل ایران را از دنیاگ کار محومے کند

ژوئن ۲۰۲۶

کمیسیون زنان
شوراک ملے مقاومت ایران



wncri.org/fa



[@womenncri](https://twitter.com/womenncri)



[@womenncri](https://facebook.com/womenncri)

سیاست‌های رژیم نسل جدیدی از زنان شاغل ایران را از دنیای کار محو می‌کند

پشت شاخص‌های کلان و ارقام خشک بازار کار، روایت دردناک میلیون‌ها زن خلاق، تحصیل کرده و پرامیدی نهفته است که حق طبیعی‌شان برای داشتن هویت مستقل شغلی و استقلال مالی، توسط قوانین بنیادگرایانه ملایان به یغما رفته است. فاشیسم مذهبی حاکم، حق اشتغال را از یک حق بنیادین به ابزاری برای سرکوب تبدیل کرده است؛ رژیمی ضدزن که عمده‌اً با راندن خشونت‌آمیز جمعیت فعال به کنج خانه‌ها، به دنبال پاکسازی صندلی‌های جامعه از زنان است. آخرین داده‌های رسمی، تصویر عریان حذف سیستماتیک زنان شاغل ایران را در منگنه فقر و گرانی برملا می‌سازد.



1

سقوط تاریخی نرخ مشارکت و سناریوی ناپدید شدن بی‌سروصدای زنان

نرخ مشارکت اقتصادی کل کشور در سال ۱۴۰۵ به زیر ۴۰ درصد سقوط کرده که پایین‌ترین سطح در یک دهه اخیر است. (ایلنا، ۶ تیر ۱۴۰۵)

با این سقوط بی‌سابقه، ایران در ردیف کشورهای با کمترین نرخ مشارکت در سطح جهان قرار گرفته است، به طوری که ۶۱ درصد از جمعیت در سن کار کشور عملاً هیچ نقشی در تولید ناخالص داخلی ندارند و بار معیشت آنان بر دوش اقلیت شاغل سنگینی می‌کند. اما فاجعه اصلی در پشت پرده آمار صوری نرخ بیکاری ۷,۵ درصدی رژیم جریان دارد؛ فاجعه‌ای که رسانه‌ها آن را «داستان ناامیدی خاموش» نامیده‌اند. (زومان، ۹ تیر ۱۴۰۵)

بررسی‌ها نشان می‌دهد در یک سال اخیر اشتغال مردان ۲۲۸ هزار نفر افزایش یافته، اما در نقطه مقابل، بازار کار شاهد ناپدید شدن بی‌سروصدا و محو شدن نزدیک به ۱۹۵ هزار تن از زنان شاغل ایران بوده است؛ رکوردی وحشتناک و ریزشی بزرگ که از سال ۱۴۰۰ تا کنون بی‌سابقه بوده است. این در حالی است که جمعیت در سن کار کشور بیش از ۸۱۰ هزار نفر افزایش داشته، اما تعداد کل شاغلان کشور فقط ۳۴ هزار نفر بیشتر شده است؛ یعنی به ازای هر ۱۰۰ نفر افزایش جمعیت در سن کار، تنها حدود ۴ نفر به شاغلان افزوده شده و موتور اشتغال‌زایی اقتصاد عملاً متوقف شده است. (جهان صنعت، ۹ تیر ۱۴۰۵)



2

شگرد بیکاری پنهان برای حذف سیستماتیک زنان از آمارها

بنا به گفته زهرا کریمی، استاد اقتصاد دانشگاه مازندران، نرخ مشارکت اقتصادی زنان تنها طی یک سال با کاهش چشمگیر ۵ درصدی، به میزان وحشتناک ۱۲ درصد رسیده است؛ فاجعه‌ای مکرر که طی آن رژیم با ابزار «بیکاری پنهان»، زنان اخراج‌شده را از مخرج کسر محاسبات حذف می‌کند. (جهان صنعت، ۹ تیر ۱۴۰۵)

داده‌های آماری نشان می‌دهند به تعداد زنان جویای کار فقط ۴ هزار و ۶۰۰ نفر اضافه شده و در عوض، نزدیک به ۱۹۰ هزار زن از کل بازار کار خارج شده و عملاً ذیل عنوان «زن خانه‌دار» دسته‌بندی شده‌اند تا آمار رسمی مهندسی شود. (زومان، ۹ تیر ۱۴۰۵)

به تاکید این کارشناس، در ساختار مردانه بازار کار، زنان اولین قربانیان طرح‌های تعدیل نیرو در بنگاه‌های اقتصادی هستند. با بروز شوک‌های اقتصادی، قطع گسترده برق و گاز صنایع و تعطیلی اجباری بنگاه‌ها در

تابستان، دست کم ۱۵۰ هزار بیمه شده اصلی بیکار شده‌اند که زنان اخراج شده در این موج‌های پیاپی، بلافاصله در سیستم‌های آماری ذیل عنوان "زن خانه‌دار" یا "دانشجو" تعریف می‌شوند تا نرخ بیکاری رسمی کشور به ظاهر تغییر بزرگی نشان ندهد. (ایلنا، ۶ تیر ۱۴۰۵)

این مکانیسم پنهان‌کار، جمعیت انبوه غیرفعال اقتصادی را به شدت افزایش می‌دهد، شرایطی که امنیت شغلی بسیاری از زنان شاغل ایران را کاملاً متلاشی کرده است؛ در حالی که مردان در زمان بیکاری ناچارند به هر شغلی مثل دست‌فروشی و رانندگی تن دهند و نمی‌توانند «غیرفعال» محسوب شوند. (جهان صنعت، ۹ تیر ۱۴۰۵)

بررسی آمارهای فصلی نشان می‌دهد هم‌زمان با اعمال محدودیت‌های شدید اینترنتی، رقم ثبت شده اشتغال زنان به کمترین میزان از سال ۱۳۹۶ رسید. رژیم با قطع دسترسی به اینترنت، شاهرگ کسب و کارهای مجازی را قطع کرد؛ به طوری که بخش خدمات به عنوان پناهگاه اصلی که از سال ۱۴۰۰ همواره رشد داشت، شاهد خروج بیش از ۶۵ هزار زن بود. این وضعیت در بخش صنعت و کارخانه‌ها به دلیل بحران‌های ساختاری فاجعه‌بارتر شد و حدود ۱۰۹ هزار نفر از زنان شاغل ایران کار خود را از دست داده یا به ناچار رها کردند. (زومان، ۹ تیر ۱۴۰۵)

3



علاوه بر اثرات مخرب قطعی اینترنت بر فضای دیجیتال، رکود اقتصادی جاری در کنار قطع گسترده برق و گاز بنگاه‌های تولیدی و تعطیلی اجباری شهرک‌های صنعتی در تابستان، ظرفیت تولید صنعتی کشور را به شدت کاهش داده و تقاضا برای نیروی کار جدید را به بن‌بست رسانده است؛ بحرانی ساختاری که در منگنه تورم سالانه ۶۲ درصدی و عبور نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه در استان‌های محروم از مرز ۱۰۰ درصد، معیشت خانوارهای کم‌درآمد را متلاشی کرده و با ایجاد یک تورم افسارگسیخته و سه‌رقمی در کالاهای اساسی، تمامی اعضای این

خانواده‌ها و به خصوص زنان شاغل ایران در بخش‌های غیررسمی را برای بقا به سمت کارگری روزمزد سوق داده است. (ایلنا، ۶ تیر ۱۴۰۵)

در این بستر فروپاشی معیشتی، بستر استثمار مضاعف با پیشنهاد دستمزدهای توهین‌آمیز ۱۰ میلیون تومانی فراهم شده است که حتی کفاف هزینه‌های اولیه خانوار را هم نمی‌دهد. به‌ویژه در شهرستان‌ها و شهرهای کوچک، وقتی زنان جویای کار با پیشنهاد مزد ۱۰ میلیون تومانی مواجه می‌شوند، به دلیل عدم تکافوی دستمزد و بالا بودن هزینه‌های سرسام‌آور رفت‌وآمد و نگهداری کودک، ترجیح می‌دهند به خانه‌نشینی اجباری در منزل ادامه دهند. (جهان صنعت، ۹ تیر ۱۴۰۵)

طبق آمارهای موجود، ۷۴ درصد کارجویان مجبور به کاهش شدید هزینه‌های اولیه زندگی خود شده‌اند و همین عدم تکافوی دستمزد، پایداری اقتصادی بسیاری از زنان شاغل ایران را هدف قرار داده و آن‌ها را به ناچار به سمت خانه‌نشینی سوق می‌دهد. بر اساس این نظرسنجی، ۶۶ درصد کارجویان از کمبود شدید مشاغل خوب و نبود ثبات اقتصادی گلایه دارند، ۴۳ درصد نیازمند حمایت مالی یا وام هستند و ۳۰ درصد آنان اعلام کرده‌اند که برای ورود دوباره به بازار کار، بیش از هر چیز به آموزش و ارتقای مهارت‌های شغلی نیاز دارند. (گزارش پلتفرم جاب‌ویژن، ۶ تیر ۱۴۰۵)

4



انسداد آرزوها و بیکاری بحرانی دختران فارغ‌التحصیل

دختران فارغ‌التحصیل، بازندگان اصلی این ساختار ضدزن هستند. نرخ بیکاری زنان جوان به رقم تکان‌دهنده ۳۲,۲ درصد جهش کرده و ۶۳,۵ درصد از کل زنان بیکار کشور را فارغ‌التحصیلان آموزش عالی تشکیل

می‌دهند. این یعنی هدر دادن عمدی آرزوها و سرمایه انسانی نیمی از جامعه توسط فاشیسم مذهبی. نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله به ۲۰,۳ درصد (بیش از ۲,۷ برابر نرخ کل کشور) رسیده و در گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ ساله نیز نرخ بیکاری ۱۵ درصد است. (جهان صنعت، ۹ تیر ۱۴۰۵)

این طبقه متوسط تحصیل کرده و نیمه‌ماهر، با یک خلأ ساختاری مواجه است؛ نه مانند نیروی کار ساده در بخش‌های سنتی کارهای کم‌درآمد برایش فراوان است و نه توانایی‌هایش با واقعیت دستمزدهای ناچیز بازار همخوانی دارد. در نتیجه این انسداد آرزوها، ۳۰ درصد کارجویان برای سازگاری به یادگیری مهارت‌های جدید روی آورده و ۱۷ درصد آنان تنها راه نجات خود را در اقدام برای مهاجرت از کشور می‌بینند و به این ترتیب، صف طولانی خروج نیروهای متخصص و زنان شاغل ایران از کشور روبه‌روز طولانی‌تر می‌شود. (ایلنا، ۶ تیر ۱۴۰۵)

استثمار مضاعف در مزارع و راندن زنان به اقتصاد شکننده غیررسمی

فشار فقر و فروپاشی الگوهای سنتی معیشت، نسل جدید زنان را به سمت مشاغل به‌شدت ناپایدار، روزمزد و بدون قرارداد سوق داده است. در مناطق محروم مانند کردستان، زنان کارگر فصلی کشاورزی از دختران جوان ۱۳ ساله تا زنان ۶۰ ساله، از ساعت ۵ صبح زیر آفتاب داغ به کارهای طاقت‌فرسای کاشت و برداشت تن می‌دهند. زنان کارگر فصلی در سال ۱۴۰۵ برای یک روز کار کامل چیدن توت‌فرنگی تنها ۸۰۰ هزار تومان مزد می‌گیرند که معادل قیمت یک روغن جامد ۵ کیلویی است. این وضعیت، تقاطع عریان استثمار در محیط کار و ستم خانگی است؛ چرا که این زنان پس از پایان شیفت کاری، تازه باید به خانه برگردند تا نوبت دوم کار بی‌مزد خود (آشپزی و نظافت) را آغاز کنند.

در همین حال، در شهرهای بزرگ نیز پدیده «تعدیل زنانه» و فرسایش اشتغال رسمی، زنان را به سمت بخش غیررسمی و خدمات کم‌تاب‌آور کشانده است. طبق آمار رسمی، بیش از ۵۰ درصد اشتغال زنان در بخش خدمات خرد متمرکز است که بیشترین آسیب را از رکود اقتصادی می‌بینند و این مسئله، امنیت نیمی از جمعیت زنان شاغل ایران را مستقیماً تهدید می‌کند. امروزه حضور گسترده زنان در مشاغلی مانند رانندگی در تاکسی‌های اینترنتی، دست‌فروشی شهری و فروش آنلاین خانگی، بیش از آنکه نشانه‌ای از تنوع شغلی باشد، گویای فرار از فقر مطلق است؛ به‌ویژه در ساختاری که شکاف دستمزد جنسیتی در آن نزدیک به ۴۰ درصد برآورد می‌شود و این تبعیض در اقتصاد غیررسمی، چرخه فقر را عمیق‌تر و تشدید می‌کند. (جهان صنعت، ۹ تیر ۱۴۰۵)



زنان سرپرست خانوار؛ خط مقدم فقر شهری و حذف سیستماتیک

در این میان، سنگین ترین ضربه این بحران اقتصادی به زنان سرپرست خانوار وارد شده است؛ گروهی که آمار آنها بین ۳,۵ تا ۶,۵ میلیون نفر (حدود ۱۴ درصد کل سرپرستان خانوار) برآورد می شود و بخش بزرگی از آنها در دهک های پایین درآمدی قرار دارند. این زنان به طور هم زمان با سه اهرم سرکوب اقتصادی مواجهند: رشد مستمر و سرسام آور هزینه های مسکن و خوراک، محدودیت شدید و تبعیض آمیز در دسترسی به اشتغال رسمی و بیمه شده، و در نهایت فقدان دسترسی به سرمایه، وام و شبکه های حمایتی. برای این قشر، ورود به بازار غیررسمی و دست فروشی نه یک انتخاب، بلکه یک الزام معیشتی برای بقا در ساختاری است که عمداً نابرابری جنسیتی را در بحران ها بازتولید و تقویت می کند تا بخش مهمی از زنان شاغل ایران را در حاشیه و زیر خط فقر نگه دارد. (اقتصادنیوز، ۵ تیر ۱۴۰۵)

خارج شدن ناگهانی صدها هزار زن از بازار کار و افت شدید نرخ مشارکت آنها به ۱۲ درصد، نشان دهنده یک حذف سیستماتیک و محرومیت عمده است. این ساختار با قطع معیشت آنلاین و ارزان سازی نیروی کار، تلاش می کند نسل جدید زنان را به حاشیه جامعه و خانه نشینی اجباری بکشاند. اما احقاق حقوق پایمال شده زنان شاغل ایران و شکستن این سد تبعیض، تنها با سرنگونی این رژیم ضد زن و تحقق منشور آزادی و برابری کامل جنسیتی میسر خواهد شد.